

باسمه تعالی

خارج اصول حضرت استاد فرحانی (دام ظلّه) جلسه ۵۷ ۹۶/۱۱/۰۴

موضوع کلی: مسأله ضد موضوع جزئی: دلالت نهی غیره بر فساد

## بررسی دلالت نهی غیره بر فساد

### خلاصه جلسه گذشته

بیان شد فرمایش محقق نائینی که نهی غیره دلالت بر فساد نمی‌کند مورد تأیید محقق خوئی و آیت الله فاضل قرار گرفت. حضرت امام هم استدلال بر عدم دلالت نهی غیره بر فساد را با یک تکمله‌ای قبول دارند. ابتدا تکمله حضرت امام را بررسی می‌کنیم.

### تکمله حضرت امام بر عدم دلالت نهی غیره بر فساد

حضرت امام در مناهج در امر رابع در ثمره مسأله چنین تعبیر می‌کنند: «و یمكن إنکارها، فإن اقتضاء النهی للفساد: إِمَّا لأجل كشفه عن مفسده فی المتعلق» یعنی می‌توان انکار ثمره کرد زیرا نهی غیره اگر اقتضاء فساد کند دو احتمال در این اقتضاء فساد وجود دارد یکی اینکه نهی غیره از باب کشف مفسده دلالت بر فساد کند که این احتمال در فرمایش محقق نائینی بررسی شد و ایشان نشان دادند نهی غیره دلالتی بر مفسده در متعلق خود ندارد که این مفسده لازم الاجتناب باشد و نهی غیره، غیره است. امام می‌فرماید این مطلب معلوم است که نهی غیره دلالت بر مفسده نمی‌کند که بخواهد از باب وجود مفسده، متعلق نهی غیره فاسد باشد و فرض هم بر این است که ما مصلحت ملزمه را احراز کردیم و می‌توان با قصد مصلحت عبادت را انجام بدهیم لذا دلیلی بر فساد صلات مزاحم با ازاله نیست حتی اگر نهی هم موجود باشد. این احتمال در بیان محقق نائینی و محقق خوئی و آیت الله فاضل هم بود.

حضرت امام یک احتمال دیگری هم می‌دهند که این احتمال محل بحث است که بزرگانی مانند شهید صدر و مرحوم مظفر از این طرف خواستند وارد شوند امام می‌فرمایند: «أو لأجل أن الإتيان بمتعلق النهی مخالفه للمولى و مبعده عن ساحته، فلا يمكن أن يقع مقرباً» اتیان به متعلق نهی سبب بعد از مولا است و مسأله قرب و بعد به مولا مطرح است نه مسأله مفسده لازم الاجتناب. آیا می‌شود در جایی که یک نهی مولوی موجود است ولو این نهی مولوی غیره باشد متعلق این نهی اتیان شود و در عین اینکه متعلق یک نهی مولوی اتیان می‌شود قرب الهی حاصل شود یا اینکه به دلیل وجود نهی اگر کسی متعلق این نهی را انجام داد سبب بُعد عن الله می‌شود؟ این مطلب اضافه‌ای است که در فرمایشات حضرت امام آمده است ولی در فرمایشات محقق نائینی و محقق خوئی بررسی نشد. خلاصه اقتضا نهی للفساد یا از

طریق کشف یک مفسده لازم الاجتنابی است که توضیح دادیم و یا از طریق این است که در اینجا یک نهی مولوی در اینجا وجود دارد ولو نهی غیری و اگر کسی متعلق این نهی را انجام داد قرب الی الله انجام نمی‌شود و این سبب بُعد از ساحت خداوند است.

حضرت امام می‌فرمایند این احتمال هم منتفی است زیرا این نهی، نهی غیری است و نهی غیری در واقع مُبعد نیست و این گونه نیست که اگر نهی غیری به شیء تعلق بگیرد موجب بُعد شود، بلکه بُعد برای جایی است که درون نهی نفسیت باشد و مولا آن منهی را نپسندد و آن منهی بما اینکه خودش موضوع مفسده است دوست ندارد و اینجا قرب الهی انجام نمی‌شود ولی اگر این نهی به واسطه این نبود که خود عمل مورد بغض و نفرت مولا است بلکه مولا از خود عمل بغض ندارد و عمل فی نفسه نزد مولا محبوب است و مولا آن را می‌پسندد ولی الان یک شرائطی پیش آمده است که این عمل مستلزم ترک اهمی است و امام می‌فرماید این مانع قرب نیست و انجام آن بُعد آور نیست لذا تعبیر ایشان این است «النهی الاستلزامی الذی یکون من جهة ملازمة شیء للمأمور به بالأمر المقدمی لا یکون موجبا للبعد عن ساحة المولی، فلا یوجب الفساد»<sup>۱</sup> اگر نهی غیری از باب ملازمه‌ای باشد که با مقدمه واجب دارد زیرا عدم المانع مقدمه واجب است و برای اینکه واجب محقق شود مانع باید برطرف شود و مانع در حقیقت وجود ضد است و وجود این ضد ملازمه دارد با مقدمه واجب که عدم المانع است و لذا اگر یک نهی آمد این نهی مشکلی ندارد که کسی بگوید اگر منهی محقق شد بُعد عن الله بوجود می‌آید بلکه این بُعد وقتی بوجود می‌آید که عمل خودش فی نفسه دارای مشکل باشد.

در هر صورت امام هر دو محذور را بررسی کرده است خلافاً لمحقق نائینی و محقق خوئی که فقط یک محذور را بررسی کردند.

### **بررسی کلمات قائلین به دلالت نهی غیری بر فساد**

آقایانی که منکر هستند با بخش اول فرمایشات مشکلی ندارند هم شهید صدر و هم مرحوم مظفر با بخش اول این فرمایشات مشکلی ندارند و می‌فرمایند نهی غیری دلالت بر مفسده لازم الاجتناب ندارد و لذا اگر قرار است مسأله دلالت بر فساد از باب دلالت بر مفسده ملزمه باشد ما هم کلام شما را قبول داریم ولی در بخش دوم مخالفت می‌کنند. که باید بررسی کنیم مخالفت آنان به کجا می‌رسد.

### **فرمایش مرحوم مظفر بر دلالت نهی غیری بر فساد**

<sup>۱</sup> . مناهج الوصول إلى علم الأصول؛ ج ۲؛ ص ۲۰.

یکی از مخالفین مرحوم مظفر است که در اصول فقه خواندید. ایشان ابتدا استدلال محقق نائینی را مبنی بر اینکه نهی  
غیری است و نهی غیر دلالته بر مفسده نمی‌کند را بیان می‌کند و بعد می‌فرماید این حرف درست ولی مسأله را حل  
نمی‌کند و آن صدر عن بعض مشایخنا. دلیل این مطلب چیست؟ زیرا در مسأله در عبادت قرب است و ما یک قرب  
مکانی داریم و یک قرب معنوی داریم. قرب مکانی مانند اینکه کسی بخواهد به یک ستون نزدیک شود در مورد خداوند  
قرب مکانی معنا ندارد زیرا خداوند مکان ندارد در مورد خداوند قرب معنوی وجود دارد ولی در قرب معنوی تشبیها به  
قرب مکانی باید مانع قرب وجود نداشته باشد مثلا اگر بخواهد به یک دیوار نزدیک شود و یک چوب دومتری را  
جلوی خود بگیرد این چوب مانع از نزدیک شدن به دیوار است. در قرب معنوی اگر کسی خواست به ذات اقدس اله  
قرب معنوی پیدا کند می‌شود فرض کرد که مولا زجر از چیزی بدارد بعد با این زجر و بازداشت مولوی بخواهد به او  
نزدیک شود؟ چنین چیزی امکان ندارد. امکان ندارد که ما قائل شویم نهی غیری یک نهی مولوی است یعنی یک زجر  
مولوی را ملتزم شویم و بعد بگوییم اتیان به این منهی که نهی غیری مولوی به آن خورده است مانع قرب نیست. ایشان  
می‌گویند امکان ندارد که ما این فرمایش محقق نائینی را بپذیریم و بگوییم نهی دلالته بر فساد ندارد و امکان ندارد  
استدلال دوم حضرت امام را بپذیریم. در فرمایش محقق نائینی توجه به این نکته دوم نبود فقط مسأله مفسده مطرح بود  
ولی در فرمایش حضرت امام مطرح بود. مرحوم مظفر می‌گوید چنین چیزی امکان ندارد. قرب معنوی مانند قرب  
مکانی است و امکان ندارد که زجر مولوی از جانب مولا را ملتزم شویم و بعد قائل شویم که با این عمل منهی به او  
نزدیک شد، لذا ایشان می‌خواهد از طریق حد وسط عدم تحقق قرب و موجب بُعد شدن انجام منهی، قائل به این شوند  
که نهی غیری موجب فساد است.

در پایان مطلب یک جمله‌ای دارند و آن اینکه اگر کسی گفت ما نهی غیری نداریم ما می‌گوییم اشکال ندارد. کأن می  
خواهد یک نوع مغالطه‌ای را به قائلین صحت نسبت بدهد. ایشان می‌فرمایند آنهایی که قائل هستند نهی غیری فساد  
نمی‌آورد در واقع قائل به عدم نهی غیری هستند زیرا عقل به او می‌گوید تو که می‌خواهی ذی المقدمه را انجام دهی  
باید مانع آن را انجام دهی و این نهی غیری کافی است و ما هم در اصل مطلب این را قبول کردیم که نهی غیری وجود  
ندارد کما اینکه امر غیری وجود ندارد و حکم عقل کافی است برای اینکه کسی که می‌خواهد ذی المقدمه را انجام دهد  
قطعا موانع را برطرف می‌کند و این معنا ندارد که بخواهد ذی المقدمه را انجام دهد ولی موانع را برطرف نکند. اینها  
می‌گویند اگر مراد شما این است نهی عقلی کافی است و ما نیازی به نهی غیری مولوی نداریم این حرف شما درست  
است و نهی غیری به دلیل اینکه نهی مولوی نیست و مولا نهی و زجر نداده است و لذا مکلف با متعلق آن می‌تواند

تقرب به مولا پیدا کند و مولا او را باز نداشته است و مانع از نزدیک شدن او به خود نشده است و مکلف می تواند قرب به مولا پیدا کند.

مرحوم مظفر می فرماید شما می گوئید نهی غیری داریم ولی انجام آن مُبعد نیست و مانع از قرب نیست ولی کَانَ نهی عقلی را می گوئید والا اگر توجه کنید به وجود نهی مولوی ولو آن نهی مولوی غیری باشد در حیث عدم قرب مثل نهی نفسی است.

### **فرمایش شهید صدر بر دلالت نهی غیری بر فساد**

شهید صدر یک نکته تکمیلی بر این مطلب دارند. البته نکات متفاوتی دارند که باید آنها را بررسی کنیم که مشخص شود حق با امام است یا حق با ایشان است. شهید صدر در تکمله خود می فرماید: شما می گوئید در مواردی که نهی غیری هست کشف از مفسده نمی کند و مفسده وجود ندارد و از طرف دیگر قائلید مصلحتی وجود دارد که این هم قبول است. مصلحت محرز است و مفسده ای هم وجود ندارد زیرا نهی غیری است ولی سوال ما در کبراست. شما در بحث عبادیت عبادت، عبادیت را با چه چیزی درست می کنید. اگر عبادیت عبادت را با قصد امر درست می کردید عبادت باطل بود زیرا در بحث تراحم اهم و مهم امری نیست و قبل از بحث ترتب است و امری که شما قبول دارید مصلحت عبادت نیست پس عبادیت عبادت را با چه چیزی درست می کنید؟ آیا با قصد ملاک درست می کنید یعنی اینکه صرفاً یک چیزی دارای ملاک است می توان با این عبادت کرد یا اگر ما مسأله قصد امر را در عبادیت عبادت لازم نمی دانیم ولی اضافه به مولا را لااقل شرط می دانیم. یعنی اینکه این عمل باید مضاف به مولا باشد و نمی توان به صرف قصد ملاک یک عملی را عبادت بدانیم وقتی می خواهیم عبادت را عبادت کنیم یا امر نیاز داریم یا اگر امر نخواهیم قصد قربت به معنای اینکه یک چیزی محبوب و مضاف و مرتبط به مولا باشد را نیاز داریم و صرف احراز ملاک کافی نیست. ایشان کَانَ تعمد سر حیث کبراً دارد یعنی عبادیت عبادت نیاز به قصد محبوبیت و اضافه به مولا دارد و اگر مبنا در عبادیت عبادت این شد یعنی قصد محبوبیت مبنا است پس در اینجا به دلیل اینکه مبعوضیت داریم زیرا نهی مولوی به آن خورده است این عمل مقرب نیست و این عمل محبوبیتی ندارد. وقتی این عمل مضاف به مولا است به اضافه بغض، چطور می توان این عمل را اتیان کرد، لذا شهید صدر کَانَ در کبراً اشکال می کند. کبراً این است که عبادیت عبادت اگرچه نیاز به امر نداشته باشد ولی اضافه به مولا و محبوبیت را نیاز دارد و ما قبول نداریم کسی به صرف قصد ملاک بخواهد عبادت کند.

باید بررسی کرد که آیا این مطلب ایشان چیزی اضافه بر مرحوم مظفر است و چیزی اضافه بر احتمالی است که حضرت امام بیان کرده است و رد کرده است و ظاهر تعبیر ایشان در اینجا این است بیان شد که کبرا را اشکال کردند و فرمودند کبرای عبادیت عبادت نیاز به قصد محبوبیت دارد و با صرف قصد ملاک نمی توان عبادت کرد.

این مطلب اولاً نکته اضافه ای دارد یا اینکه حقیقتاً این مطلب بازگشت به قرب دارد و همان نکته است که تحقق عبادت منوط به تحقق قرب است و تحقق قرب معنوی با فرض نهی مولوی ولو نهی غیري امکان ندارد. یک مغالطه‌ای در فرمایش ایشان است زیرا فرمایش محقق نائینی و محقق خوئی این نیست یعنی آنها نخواستند بگویند به صرف قصد ملاک می توان عبادت کرد بلکه خواستند بگویند قصد ملاک مقرب است. شما نهایتاً می گوید با قصد ملاک به واسطه نهی مولوی قرب تحقق پیدا نکرده است و یک اشکالی است به فهم عبارت آنها. آیا این مطلب یک کلام جدیدی است یا اینکه دعوا بر سر یک نکته است که ما در مواردی که نهی غیري داریم امکان تحقق قرب الهی را قائل هستیم و اگر قرب الهی محقق شد عبادت درست می شود و اگر قرب الهی تحقق پیدا نکرده به دلیل اینکه نهی مولوی مبعّد است زجر مولوی و امکان قرب را محقق نمی کند. لذا اول باید این عبارت شهید صدر را یک ملاحظه‌ای کنید و ببینید این عبارت چیزی اضافه بر کلام مرحوم مظفر دارد و بعد باید بررسی کنیم آیا حق با حضرت امام است یا حق با مرحوم مظفر و شهید صدر است که قرب محقق نمی شود در جایی که نهی مولوی موجود است ولو آن نهی مولوی نهی غیري است بعد از فراق اینکه همه قبول دارند کبرا عبادیت عبادت اضافه عمل به خداوند متعال است و کبرا تحقق مثبت به این است که عمل قرب به الی الله و مضاف الی الله باشد و هر عملی این گونه شد ثواب دارد و عبادت است و کسی در این مطلب نزاعی ندارد که شهید صدر بخواهد به دیگران اشکال کند بلکه دعوا صغروی است چنانچه مرحوم مظفر بیان کردند.

آیت الله شاهرودی یک حاشیه‌ای هم در ذیل این بیان شهید صدر دارند آن حاشیه را ملاحظه کنید که مشخص شود حق با کیست. به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.